

خصوص همپیمانی در مورد گرفتن امتیاز نفت شمال ایران و سیاست حزب در قبال ظهور و سقوط دولت خودمختار آذربایجان، که به شوروی وابسته بود. حزب توده از زمستان ۱۳۲۷ به فعالیت زیرزمینی روی آورد با این که در طول حکومت جبهه ملی (۳۲-۱۳۳۰) بار دیگر در صحنه سیاسی ظاهر شد اما نتوانست به خاطر سوءظن‌های دو جانبه با جبهه ملی همکاری کند.<sup>۶</sup>

در دوره ۳۲-۱۳۲۰ حزب توده خود را یک تشکیلات وسیع سیاسی شهری در نمایندگی طبقات متوسط و کارگر معرفی کرد. اما همبستگی استراتژیکی حزب با اتحاد شوروی و همچنین تندروی سیاسی موجب شد که از جبهه ملی (که نماینده گرایش میانه‌رو و لیبرال و مشروطه‌خواه بود) دوری گزینند. (این موضع به خصوص پس از کنگره دوم حزب در سال ۱۳۲۷ قوی‌تر شد.) دیگر این که تندروی سیاسی و ایدئولوژیکی حزب نگرانی اقشار محافظه‌کارتر اجتماع را برانگیخت. از جمله جامعه مذهبی، مالکین و همچنین قدرت‌های غربی و به خصوص آمریکا را که درگیر جنگ سرد با شوروی شده بود هراسان کرد. ایدئولوژی حزب که توسط افرادی چون احسان طبری (رهبر اتحادیه جوانان حزب و عضو کمیته مرکزی) ایرج اسکندری (از بنیانگذاران و سردبیر روزنامه رهبر) و عبدالصمد کامبخش طراحی می‌شد، اندیشه مارکسیستی را به ضرر اندیشه دمکراتیک مسلط کرد و حزب را بیش از پیش به عنوان مهره سیاست شوروی درآورد. حزب توده تا پایان جنگ جهانی دوم سیاست مصالحه با «بورژوازی ملی» را دنبال می‌کرد. اما در پی آغاز جنگ سرد میان آمریکا و شوروی از تمام نیروهایی که عملاً با شوروی همکاری نداشتند دوری گزید.

بدنبال افول حزب توده، فضایی پیش آمد که طی آن جبهه ملی تشکیل شد (آبان ۱۳۲۸) و در برابر هیئت حاکمه و نیروهای محافظه‌کار موضع گرفت. ایدئولوژی گروه‌هایی که در جبهه ملی شرکت داشتند یکپارچه

6- Abrahamian, *Iran Between Two Revolutions*, chap. 4.

نبود اما اهداف سیاسی و پایگاه اجتماعی آنها زمینه همکاری و همبستگی‌شان را فراهم می‌کرد. جبهه ملی گستره ایدئولوژیکی وسیع داشت. حزب ایران نماینده اندیشمندان لیبرال مسلک و مشروطه‌خواه بود و با اتکاء به تحصیل‌کردگان متجدد برنامه خود را پیش می‌برد. حزب پان‌ایرانیست نماینده اندیشه ناسیونالیسم افراطی ایرانی بود. آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی (با این که رسماً وابسته به جبهه نبود ولی مدت‌ها از رهبران آن محسوب می‌شد) نماینده گرایش مصلحت‌طلب و سیاسی‌اندیش جامعه مذهبی بود. آنچه که این گروه‌ها و افراد را به یکدیگر وابسته می‌کرد اعتقاد آنها به هویت ایرانی - اسلامی، مبارزه ضدامپریالیستی، تعهد به نوعی حکومت مشروط به قانون و ضرورت رعایت برخی حقوق سیاسی مردم بود.<sup>۷</sup> اما آنچه که موجب اختلاف میان جناح‌های جبهه می‌شد به مسائل تاکتیکی، وفاداری به تلقی گیتیانه (غیرمذهبی) در برابر تلقی مذهبی از روابط اجتماعی، جهت‌گیری سیاسی و سرعت اجرای برنامه سیاسی مربوط می‌شد. جبهه ملی نزدیک به دو سال و نیم قدرت را در دست داشت و طی این مدت برنامه عظیم ملی شدن صنعت نفت را به مرحله اجرا درآورد. اما ناتوانی در حفظ وحدت صفوف و ناتوانی در حل مناقشه نفت با انگلیس موجب سرنگونی آن شد.

از سقوط رضاشاه تا کودتایی که محمدرضاشاه را تحکیم کرد، نیروهای اصلاح‌طلب و تندرو (که خواستار تغییر نظام سیاسی بودند) و نیروهای محافظه‌کار (که بازسازی ساختار قبلی حکومت را می‌خواستند) با یکدیگر سازش‌ها و درگیری‌های متغیر سیاسی داشتند. سرانجام نیروهای محافظه‌کار به اندازه‌ای قدرت گرفتند که اصلاح‌طلبان را از میدان به در کردند و به آرمان‌های مشروطه‌خواهان و آزادی‌خواهان پایان دادند. در کودتای ۲۸ مرداد ائتلافی از رجال دولتی، نظامی، جامعه

۷. برای مطالعه اختلاف میان جناح‌های جبهه ملی رجوع کنید به کاتوزیان، محمدعلی همایون. مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران.

مذهبی، ملاکین و عناصری از طبقات متوسط با حمایت قدرت‌های بیگانه علیه جبهه ملی وارد عمل شدند. تجربه سیزده ساله‌ای که می‌توانست روند معقولی را در چارچوب قانون اساسی تحکیم کند پایان گرفت.

## فعالیت اجتماعی و سیاسی

در دوره ۳۲-۱۳۲۰، بازرگان به فعالیت اجتماعی و سیاسی روی آورد. در چند گروه و سازمان از جمله کانون اسلام، انجمن اسلامی دانشجویان، اتحادیه مهندسين، حزب ایران و جبهه ملی فعال شد. دو گروه اول اصولاً محافظ مذهبی بودند. سه گروه دیگر جنبه صرفاً حرفه‌ای و سیاسی داشتند. در مورد وابستگی تشکیلاتی بازرگان به این سه گروه نباید اغراق کرد، چرا که این گروه‌ها و سازمان‌ها اصولاً تشکیلات منظمی نداشتند و در مواردی هم که نظمی بود، بازرگان کادر تشکیلاتی نبود. بیشتر در مسائل پیرامونی فعال بود. در این دوره ۱۵ مقاله، جزوه و کتاب منتشر کرد. بعداً به آنها می‌پردازیم.

الف - گروه‌های مذهبی: بازرگان فعالیت مذهبی - اجتماعی خود را یک سال قبل از کنارگیری رضاشاه و با پیوستن به کانون اسلام آغاز کرد. در کانون بود که سرنوشتش با روحانی ۳۰ ساله محمود طالقانی، و استاد زیست‌شناسی دانشگاه تهران دکتر یدالله سبحانی پیوند خورد. بازرگان از قبل با خانواده طالقانی آشنایی داشت. پدر طالقانی مشوق جلسات بحث و گفتگو در خانه آقا تبریزی بود. اما تا کانون اسلام، میان بازرگان و محمود طالقانی آشنایی نبود. همکاری و همفکری با سبحانی و طالقانی برای چند دهه ادامه داشت. این سه تن بر تحولات سیاسی ایران در اواخر دهه ۵۰ تاثیر گذاشتند.<sup>۸</sup>

۸- طالقانی در سال ۱۲۹۱ متولد شد و در سال ۱۳۵۹ درگذشت. پدرش روحانی فقیری بود که از ساعت‌سازی تامین معیشت می‌کرد. محمود طالقانی در مکتب‌خانه و سپس در

کانون اسلام توسط آقای مهیاری، معلم مدرسه و آقای حسینی تشکیل شد. نخست کلاس شبانه برای افراد بی سواد بود. پس از کنارگیری رضاشاه، جنبه اجتماعی و سیاسی پیدا کرد. محمود طالقانی آنجا به منبر می رفت. سخنرانان دیگر عموماً از دانشگاه می آمدند. مخاطبانشان بیشتر دانشجوی، نظامی و کارمند بودند. فعالیت کانون هرگز شکل منظمی به خود نگرفت. هنگامی که طالقانی در سال ۱۳۲۲ پایگاهش را به مسجد هدایت در خیابان استانبول منتقل کرد عملاً برچیده شد.

در همین سال برخی دانشجویان پزشکی که به سخنرانی های طالقانی می رفتند، انجمن اسلامی دانشجویان را تشکیل دادند. تشکیل انجمن اصولاً در برابر فعالیت گسترده انجمن های وابسته به حزب توده و تشکیلات بهائیان در دانشگاه بود. اما هرگز نتوانست رقیب جدی برای آنها شود. انجمن اسلامی دانشجویان در این هنگام به هیچ سازمان سیاسی وابسته نبود. برخی اعضایش به شکل منفرد در سازمان ها و گروه های سیاسی فعال بودند.

بازرگان در تشکیل انجمن اسلامی نقشی نداشت اما به سرعت حمایت خود را شامل آن کرد. در برخی محافلشان حضور یافت، به آنها در دانشگاه اطاق نماز داد. در نظرش این دانشجویان «جوان، روشن، تندرو و مودب... بهترین عامل و مشوقی بودند که هر زبان بسته را بسخن

→ حوزه های قم و نجف درس خواند. در سال ۱۳۲۸ به خاطر نداشتن مجوز لباس دستگیر شد. پس از تبعید رضاشاه به مسائل اجتماعی روی آورد و به تدریج از فعالین سیاسی شد. در سال ۱۳۴۲ از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران بود. سپس از رهبران انقلاب اسلامی ایران و اولین امام جمعه تهران شد. بهرام افراسیابی و سعید دهقان، طالقانی و تاریخ (انتشارات فرزانه، تهران).

یدالله سجایی متولد ۱۲۸۵ در مدرسه دارالفنون، مدرسه تربیت معلم تهران و دانشگاه پاریس تحصیل کرد. در دانشگاه تهران درس زیست شناسی داد. در چند سازمان سیاسی از جمله جبهه ملی و نهضت آزادی ایران فعال بود. پس از انقلاب ۱۳۵۷ عضو کابینه بازرگان و سپس نماینده مجلس شورای اسلامی شد.

می‌آوردند و هر ذهن کور را باز می‌کردند.<sup>۹</sup> با آنها رفت و آمد. مجالسشان را مورد خطاب قرار داد. خواهیم دید که بسیاری از این جوانان بعدها به سازمان‌های سیاسی تحت رهبری بازرگان پیوستند.

انجمن اسلامی دانشجویان اندیشه اصلاح طلب مذهبی داشت. خواهان نوعی اصلاحات مذهبی بود. نشریه گنج شایگان را منتشر می‌کرد. جلساتش کم و بیش منظم بود. در برخی فعالیت‌های خیریه، از جمله ساختمان منزل برای آوارگان زلزله کمک می‌کرد. در اساسنامه انجمن آمده است:

پیدایش و تشکیل این انجمن هنگامی وقوع یافت که مربیان و پرچمداران و زمامداران امور از خود سلب مسئولیت نموده و وظایفی را که از لحاظ اجرای مقررات اسلام و تربیت اجتماع بعهده داشتند انجام نداده و از طرف دیگر گروهی برخلاف حق و عدالت مقاماتی را اشغال کردند که شایسته آن نیستند و ظلم و تعدی خود را بر دیگران تحمیل می‌کنند و در نتیجه روش مسلمین و افراد جامعه ایرانی از جاده اصلی منحرف و مفسد اخلاقی بحدی رو به ازدیاد نهاد که حالت رقت و تاثیر عجیبی در قلوب طبقه بیدار و روشنفکر و عده‌ای از دانشجویان مسلمان باایمان پدیدار گشت و راه علاج را تنها آن دانستند که با داشتن بار سنگین تحصیل، انجمن تشکیل داده و افراد مردم، به خصوص دانشجویان را به حقوق و موازین اسلام به وسیله برنامه‌ها و جلسات مرتب دینی آشنا سازند و عموم طبقات را به وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی واقف کنند و نگذارند گروهی خودخواه و نادان خرافات را در نظر ایشان اساس دین جلوه داده و از طرف دیگر گروهی هوسران و شهوت پرست این دسته را برخ مردم ساده کشیده و آنها را از دین و ایمان بیزار کند.<sup>۱۰</sup>

گفتار این دانشجویان مسلمان اصلاح طلب کم و بیش روشن است.

قدرتمندان سیاسی را فاسد می‌دانند. از رهبران مذهبی سنتی انتقاد دارند. آنها را به خاطر ناتوانی در رهبری صحیح مؤمنین شماتت می‌کنند. از چپی‌های غیرمذهبی، در واقع توده‌ای‌ها، ناراضی‌اند. چپی‌ها را متهم می‌کنند که مؤمنین ساده‌فکر را از راه دین به در می‌برند. برای پیشبرد فعالیت‌های اجتماعی و اجرای احکام اسلامی (که قاعدتاً بعداً قصد تفسیر و تشریح آن را دارند) پیشنهاد تشکیل گروهی را می‌دهند. تزشان تا حدودی موفق بود. طی یک دهه تعداد قابل توجهی انجمن اسلامی میان مهندسين، پزشکان و معلمین در شهرهای گوناگون از جمله اصفهان، تبریز، مشهد و شیراز تشکیل شدند. در آن مرحله اهمیت سیاسی پیدا نکردند. اما بعدها برای اهداف مذهبی کارسازی‌ها کردند.

بررسی وضع اجتماعی و سیاسی بازرگان در مقایسه با دیگر فعالین جریان‌های اسلامی آموزنده است. در آن دوره می‌توان سه جریان مشخص مذهبی را تمیز داد. اول جریان اصولاً محافظه‌کار سیاسی است. رهبران‌شان مقامات عالیرتبه مذهبی تهران و قم، (از جمله آیت‌الله محمدحسین بروجردی، محمد بهبهانی و میرزا عبدالله چهلستونی) بودند. نمایندگان اندیشه سنت‌گرای مذهبی محسوب می‌شدند. در میان جامعه مذهبی بیشترین نفوذ را داشتند. در پیشبرد حیطه نفوذ اجتماعی و سیاسی خود، بسیار محتاط بودند. مواضعی ملاحظه‌کار داشتند.<sup>۱۱</sup>

در دهه ۱۳۲۰ بازرگان جوان‌تر از آن بود که میان علمای سرشناس مورد قبول باشد. اما پدرش با تنی چند از علماء، از جمله آیت‌الله بروجردی تماس‌هایی داشت. خود بازرگان با برخی از معتمین کم‌پایه از جمله حاج میرزا علی کمره‌ای و نخجوانی در ارتباط بود. ما بعداً انتقادهای بازرگان را از جامعه و تفکر سنتی بررسی می‌کنیم. اینجا کافی است بگوییم انتقاد بازرگان از جامعه سنتی مذهبی به طور کلی در چارچوب انتقاد وی از محافظه‌کاری سیاسی آن بود. انتقاد هر چند

11- Akhavi, S. *Religion and Politics in Contemporary Iran*, (State University of New York Press, Albany, 1980) Chap. 3.

محدودش، به این خاطر بود که جامعه مذهبی را از نظر سیاسی فعال کند. دومین جریان مذهبی سیاسی توسط آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی رهبری می‌شد. کاشانی در فعالیت‌های ضدانگلیسی در عراق و فعالیت‌های سیاسی در ایران سابقه طولانی داشت. گفته می‌شود که از عوامل موثری بود که رهبران مذهبی را به فعالیت سیاسی تشویق می‌کرد. خود را در برابر انگلیسی‌ها حافظ منافع ملی و مذهبی می‌شناخت. برای دستیابی به این اهداف فعال بود. ناظران سیاسی از او به عنوان استاد تاکتیک سیاسی یاد کرده‌اند.<sup>۱۲</sup> برخی گفته‌اند اصولاً یک مصلحت‌اندیش سیاسی بود و به همین خاطر از مواضع آرمانی (که معمولاً به افراط می‌انجامد) دوری می‌جست اما به سنت‌های شیعه وفادار بود.<sup>۱۳</sup> بازرگان با کاشانی تماس نداشت اما طالقانی با او در تماس بود.<sup>۱۴</sup> بازرگان بعدها گفت که مواضع کاشانی را پیش از حد مصلحت‌اندیشانه می‌دانست و قبول آنها برایش سخت بود.<sup>۱۵</sup> اما این سخن، احتمالاً، به دقت بیان نشده است و نظریست که بازرگان سالها بعد به آن رسید. در واقع اشاره بازرگان به اختلاف‌های بعد از وقایع کودتای ۲۸ مرداد است. منطقی‌تر است اگر بپذیریم که در دوره ۱۳۲۰ و در دوره حکومت جبهه ملی، بازرگان نیازی به مخالفت با کاشانی نمیدید.

جریان سوم مذهبی مربوط به فداییان اسلام به رهبری نواب صفوی است. با این که این گروه قدرت چشمگیری نداشت اما اندیشه اصول‌گرایی آن می‌رفت تا چند دهه بعد - یعنی در انقلاب ۱۳۵۷ - جذب‌ه پیدا کند. چشمگیرترین فعالیت این گروه کشتن تنی چند از رجال سیاسی و اندیشمندان اجتماعی بود. فداییان اسلام در میان طبقات پایین و بازاری پایگاه داشتند. تکالیف و فرمالیسم دینی را عمده می‌شمردند، اما با سنت

12- Akhavi, S. *Religion and Politics*, pp. 60-61.

13- Katouzian, *Political Economy of Modern Iran*, p. 148.

۱۴- افراسیابی، طالقانی و تاریخ، ص ۱۴۰.

۱۵- بازرگان، مصاحبه ۱۳۶۸.

محافظه‌کاری مذهبی مخالف بودند. می‌خواستند نوعی ساده زیستی مذهبی را برقرار کنند. عملشان انقلابی بود. با مخالفین خود به زبان خشونت حرف می‌زدند. تنفرشان از بیگانگان هم بر این مبنا بود.

فداییان از یک سو با مواضع سنتی دینی - که توسط روحانیون نمایندگی می‌شد - مخالفت داشتند و در این موضع بود که بازرگان با آنها احساس همدردی می‌کرد. شخصیت نواب صفوی هم برای بازرگان جذاب بود. سنت شکنی و جذب به شخصی رهبر فداییان موجب شد که بازرگان با آنها مخالفتی ابراز نکند. اما چند مسئله موجب شد بازرگان از فداییان دوری گزیند. یکی انتقادات مستمر فداییان از جریان ملیون و طرفداران آن و دیگر این که این دو جریان - یعنی فداییان و بازرگان - مخاطبان مختلفی داشتند. مخاطبان بازرگان اصولاً از طبقه متجدد متوسط بودند. روی سخن فداییان با طبقات سنتی، شبه روستایی و بازاری بود.

می‌توان نتیجه گرفت که بازرگان - از نظر شکل و محتوای اندیشه سیاسی - به تجدیدنظرطلبی فداییان اسلام نزدیکتر و از جریان سنتی مذهبی و جریان مصلحت‌اندیش سیاسی کار کاشانی دورتر بود. برای بازرگان گرایش فداییان و رادیکالیسم آنها در تاکتیک جذاب بود. اما به طور کلی بازرگان در دوره ۳۲-۱۳۲۰ در بستر اصلی سیاست مذهبی نبود. به جریان اصلی اجتماعی - سیاسی مذهبی وقت وابسته نبود. اندیشه و عملش بیشتر با جریان‌های کوچکتر جنبی هماهنگی و همسویی داشت. همان طور که بعداً خواهیم گفت بخش عمده‌ای از انتقادهایش از جریان ملاحظه‌کار سنتی مذهبی بود.

ب - سازمان‌های سیاسی: بازرگان هم در محافل مذهبی فعال بود و هم در گروه‌های غیر مذهبی و صرفاً سیاسی. اما شرکتش در گروه‌های سیاسی مهمتر است. نخستین گروهی که با آن همکاری داشت تشکیلات عمدتاً حرفه‌ای و صنفی «کانون مهندسین» بود. بازرگان برای چند دوره عضو شورای مرکزی و برای دو دوره مسئول شورای مرکزی کانون شد. کانون مهندسین پس از سه سال، نفوذ سیاسی محدودی بدست آورد. در اعتراض به کارشکنی صاحب منصبان «نسل قدیم» در دستگاه دولتی و



بی‌توجهی به تحصیل‌کردگان جوان دست به اعتصاب زد. این اقدام بازرگان را تا حدی مورد تاثیر قرار داد که مدت‌ها بعد از آن با عنوان «انقلاب بدون توده» یاد کرد. در سال ۱۳۲۲ کانون مهندسين در انتخابات مجلس چهاردهم شرکت کرد. دو کاندیدش ناموفق شدند. اما این تجربه، بازرگان را بیش از پیش به فعالیت اجتماعی و سیاسی علاقه‌مند کرد.<sup>۱۶</sup> یک سال بعد کانون مهندسين به دو جناح ملی و چپ تقسیم شد. اعضای جناح راست حزب ایران را بنیان گذاشتند. اعضای جناح چپ به حزب توده پیوستند.

بازرگان هرگز عضو رسمی حزب ایران نشد. به اصطلاح کارت عضویت به نامش صادر نکردند. اما در جوار و هماهنگی با حزب فعالیت داشت. در دو سال اول تشکیل حزب فعالانه جزوه‌نویسی کرد. در چند گردهم‌آیی اعضای حزب را مورد خطاب قرار داد. هم از طریق حزب بود که چند سال بعد به مقامات عالی‌رتبه رسید. از جمله رئیس هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت و مامور خلع ید از شرکت سابق نفت شد. حزب ایران در دو کابینه شرکت کرد. نخست در سال ۱۳۲۵ در کابینه ائتلافی حزب دمکرات قوام با حزب توده و سپس در دولت جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق. بازرگان با ائتلاف حزب توده مخالف بود. ولی اقدامی علیه آن نکرد. اعتقاد داشت تحلیل جناح حاکم در حزب ایران (به رهبری غلام‌علی فریور) اشتباه است. این جناح را متهم کرد که قدرت حزب توده را بیش از اندازه تخمین می‌زنند و از دوری و مخالفت با آن وحشت دارد. هنگامی که حزب توده (پس از عقب‌نشینی ارتش شوروی از ایران و سقوط حکومت خودمختار آذربایجان) ضربه خورد بازرگان از موضع خود مطمئن‌تر شد.<sup>۱۷</sup>

۱۶- بازرگان، مدافعات، ص ۱۰۲.

۱۷- در جریان وقایع آذربایجان آقا تبریزی، پدر مهدی بازرگان، به نمایندگی از جامعه آذربایجانی‌های تهران به بدرقه نیروهای ارتش که راهی آذربایجان می‌شدند رفت. (بازرگان، مصاحبه، ۱۳۶۸) همکار بازرگان، آقای طالقانی به نمایندگی برخی محافل

در اردیبهشت ۱۳۳۰ جبهه ملی به قدرت رسید. حزب ایران پست‌ها و منصب‌های بهتر را بدست گرفت. یکی از رهبران حزبی، کریم سنجابی، پست وزارت فرهنگ را بدست آورد. بازرگان را معاون وزارتخانه کرد. (سنجابی و بازرگان به جهاتی همانند بودند. هر دو در فرانسه درس خوانده و مذهبی بودند اما سنجابی مسایل مذهبی و سیاسی را تفکیک می‌کرد.) وقتی مبارزات ضداستعماری ملی کردن صنعت نفت اوج گرفت، بازرگان مأمور خلع ید از شرکت نفت و رئیس هیئت مدیره موقت شد (خرداد ۱۳۳۰). برای اول بار در سطح افکار عمومی مملکت به چشم آمد. مدتی را در جنوب کشور گذراند. بر خلع ید شرکت نفت، بازگشت تکنیسین‌ها و مدیران انگلیسی و استمرار تولید نفت نظارت داشت. اما پس از نه ماه استعفاء داد. که ظاهراً دخالت‌های پیش از حد حسین مکی در امور مدیریت شرکت برایش غیرقابل قبول بود.<sup>۱۸</sup> در فروردین ۱۳۳۱ به تهران بازگشت و تدریس در دانشگاه را از سر گرفت اما پس از چندی مجدداً، از طریق حزب ایران و به دستور نخست‌وزیر دکتر محمد مصدق، مدیر کل طرح لوله‌کشی آب پایتخت شد. پروژه لوله‌کشی آب تهران را تکمیل کرد. در همین پست بود که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کودتا شد.<sup>۱۹</sup>

---

→ روحانی تهران همراه نیروهای ارتش شد. طالقانی بعدها گفت که شب قبل از حمله نهایی برای سربازان - در مورد شهادت و وطن‌پرستی - موعظه کرد و روز بعد برای آنها دعا کرد. افراسیابی و دهقان. طالقانی و تاریخ، ص ۷۲.

۱۸- اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱۸ (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تهران، تاریخ ندارد) بخش ۲.

۱۹- ادعا شده است که مصدق با پیشنهاد انتصاب بازرگان به پست وزارت فرهنگ مخالفت کرد چرا که وی را یک مذهبی افراطی می‌دانست و گفته بود اولین کار بازرگان چادر به سر کردن دختران است. اما به گفته بازرگان؛ مصدق شخصاً به او گفته بود وقتی احتمال انتصابش را بررسی می‌کرده برخی افراد سخنان فوق را به وی (مصدق) گفته بودند. نام آن افراد را نمی‌دانیم. برای ادعای اول رجوع کنید به: آدمیت، فریدون، آشفتنگی در تفکر تاریخی (نام ناشر ندارد، تهران، ۱۳۶۰).

## جمع‌بندی

در جمع‌بندی فصل دوم به فرازهای بحثمان اشاره می‌کنیم. گفتیم اشغال ایران توسط قوای بیگانه موجب تحولات مهم اجتماعی شد. چشم‌گیرترین آنها شکل‌گیری نیروهای تازه‌نفس سیاسی بود که نظام پهلوی را مورد تعرض قرار دادند. برخی از آنها اصلاح‌طلب بودند، برخی انقلابی. حاصل جریان انقلابی به وقایع تاثرانگیز آذربایجان انجامید. حاصل جریان اصلاح‌طلب، ملی شدن صنعت نفت بود. اما جریان محافظه‌کار سرانجام نظام حکومت آمرانه را برپا کرد و شاه جوان را در صدر آن نشانید. دوره ۳۲-۱۳۲۰ شاهد شکل‌گیری دستجات و احزاب بود. حوزه سیاسی به شکل بی‌سابقه‌ای متحول شد. بخش‌های بیشتری از جامعه مدرن ایرانی به تعیین سرنوشت تاریخی خود علاقه‌مند شدند. در این دوره بازرگان در چند گروه مذهبی و سیاسی فعال شد. این گروه‌های مذهبی از اولین تشکل‌های «مدرن» مذهبی بودند. در میان سازمان‌های سیاسی که بازرگان در آنها فعالیت داشت جبهه ملی سرشناس‌ترین بود. نقش بازرگان در صفوف نهضت ملی درجه دوم بود، یعنی از رهبران کم‌پایه محسوب می‌شد. اما همان‌طور که خواهیم دید موقعیتش پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سریعاً تغییر کرد.

## فصل سوم:

# اخلاق اجتماعی اسلامی

پس از سقوط رضاشاه بازرگان سه جریان مهم فکری محیط را مورد خطاب قرار داد. یعنی در قبال تجدیدطلبان، کمونیست‌ها و مذهب‌بیون سنتی موضع گرفت و از برخی اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی‌شان انتقاد کرد. قصد داشت تفسیری مذهبی، نو و انتقادی از جامعه خود مطرح کند. شاید مهم‌تر این که سنت‌های متفاوت فکری را به شکلی همساز و یا حداقل همزیست سازد. در فصل سوم به فرازهای این ساختار فکری اشاره داریم.

## آغاز نویسندگی (۳۲ - ۱۳۲۰)

بازرگان در دوره ۳۲ - ۱۳۲۰ وارد صحنه اجتماعی و سیاسی شد. در کانون اسلام، کانون مهندسين، حزب ایران و جبهه ملی فعالیت داشت و به نوشتن مقالات اجتماعی و سیاسی روی آورد. تا آنجا که ما می‌دانیم ۱۵ مقاله و جزوه و کتاب نتیجه تلاش‌هایش در این دوره است.<sup>۱</sup>

---

۱. مقاله مذهب در اروپا نخست در نشریه دانش‌آموز ارگان کانون اسلامی شماره‌های ۹ تا ۱۳ به چاپ رسید. چاپ مورد استناد: در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۴).

— جزییات مقاله فحش و تعارف در دست ما نیست.

— جزییات مقاله مطهرات در اسلام در دست ما نیست.

۱۳۲۰	مذهب در اروپا
	فحش و تعارف در ایران
۱۳۲۱	مطهرات در اسلام
۱۳۲۲	پراگماتیسم در اسلام

→ مقاله پراگماتیسم در اسلام، در کتاب مذهب در اروپا آمده است. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۳).

→ مقاله ضریب تبادل میان مادیات و معنویات در جزوه‌ای با همین عنوان آمده است. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۲۴).

→ مقاله بی‌نهایت کوچکها در کتاب مذهب در اروپا آمده است. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۴). نخست در روزنامه کیهان منتشر شد.

→ کتاب ترمودینامیک صنعتی. جزییات انتشار در دست ما نیست.

→ کتاب کار در اسلام. چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۷).

→ کتاب راه طی شده. مقاله‌ای که نخست در سال ۱۳۲۵ تهیه و در دهه ۱۳۳۰ به آن اضافه شد. با این که بخش‌های نخست آن در دهه ۱۳۲۰ نوشته شد اما تحقیق ما نشان می‌دهد که این کتاب به لحاظ محتوای سیاسی، عمدتاً به دهه ۱۳۳۰ تعلق دارد. اسم کتاب «راه طی شده» ترجمه فارسی کلمه عربی «سنت» است.

→ مقاله سرچشمه استقلال در کتاب سر عقب افتادگی ملل مسلمان آمده و سخنرانی سال ۱۳۲۷ است.

→ مقاله دل و دماغ در کتابی به همین نام آمده است. (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۴). این مقاله نخست در مجله فروغ علم (۱۳۲۹) منتشر شد.

→ مقاله آثار عظیم اجتماع در کتاب دل و دماغ آمده است. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۴).

→ کتاب سر عقب افتادگی ملل مسلمان. نخست در سال ۱۳۲۸ در یک سخنرانی ارائه شد. ترجمه انگلیسی آن با عنوان

*The causes of the decline and decadence of Islamic nations*

در نشریه *Islamic Review* لندن در ژوئن ۱۹۵۱ به چاپ رسید. در دهه ۱۳۴۰ مورد تجدیدنظر قرار گرفت و در سال ۱۳۵۵ توسط مرکز نشر کتاب در هوستون آمریکا منتشر شد.

→ مقاله اسلام یا کمونیسم. نخست در سخنرانی انجمن اسلامی دانشجویان ارائه شد. این مقاله تحت عنوان «از خداپرستی تا خودپرستی» هم منتشر شده است.

→ مقاله بازی جوانان با سیاست در جزوه‌ای با همین عنوان آمده است. چاپ مورد استناد: (آفتاب: تهران، ۱۳۳۱).

۱۳۲۳	ضرب تبادلی میان مادیات و معنویات
	بینهایت کوچک‌ها
	ترمودینامیک صنعتی
۱۳۲۴	کار در اسلام
۱۳۲۵	راه طی شده
۱۳۲۶	سرچشمه استقلال
۱۳۲۸	دل و دماغ
	آثار عظیم اجتماع
	سر عقب‌ماندگی ملل مسلمان
	اسلام یا کمونیسم
	بازی جوانان با سیاست

بازرگان بسیاری از نوشته‌های فوق را طی سالیان بعد مورد تجدیدنظر قرار داد. در آنها تغییراتی بوجود آورد. این روش کار - یعنی تجدیدنظر در متن اول - از ویژگی‌هایی است که در اغلب آثارش به چشم می‌خورد. به همین خاطر تعیین تاریخ دقیق نوشته‌ها مشکل است. متأسفانه نه بازرگان و نه ناشران کتابها، هیچ یک از موارد تجدیدنظر و تغییرات را مشخص نکرده‌اند. عدم آگاهی از تاریخ دقیق تجدیدنظر موجب می‌شود که تعیین جریان درگیری‌های فکری‌اش مشکل شود. جای تأسف این که نسخه‌های چاپ اول در دست نیست که بتوان با نسخه‌های بعد مقایسه کرد تا محتوا و زمان تغییرات مشخص شوند.

به یک نمونه اشاره می‌کنیم. مقاله «سر عقب‌ماندگی ملل مسلمان» نخست یک سخنرانی در سال ۱۳۲۸ بود. سال بعد به انگلیسی ترجمه شد. در نشریه بررسی مسائل اسلامی لندن به چاپ رسید. پانزده سال بعد (۱۳۵۵) نسخه تجدیدنظر شده آن به فارسی در امریکا منتشر شد. مقایسه میان نسخه انگلیسی و نسخه چاپ امریکا نشان می‌دهد که بازرگان در متن اول تغییرات مهمی داده است. متأسفانه ناشر امریکایی نه به این تغییرات اشاره دارد و نه تاریخ نشر اول را تغییر داده است. تحقیقات ما همچنین نشان می‌دهد که بازرگان احتمالاً در اوایل دهه

۱۳۴۰ و تحت تاثیر بحث فراگیر غربزدگی جلال آل احمد<sup>۲</sup> تغییراتی را در متن اول داد. سپس به چاپ آن اقدام ورزید.

به این دلیل مشکل می توان تغییرات نوشته های بازرگان را تشخیص داد و معین کرد. چاره ای نیست مگر آن که متون را به دقت مورد مطالعه قرار دهیم. سپس با توجه به بحث های ارائه شده و جو فکری جامعه، حدس و گمان بزنیم که چه تغییراتی در چه مراحل انجام گرفته است.

از میان مقالات، جزوات، و کتابهایی که بازرگان در دوره ۳۲-۱۳۲۰ منتشر کرد. ما چند موضوع را از میانشان برگزیده ایم که نمایانگر چارچوب کلی فکری اوست. جو فکری آن دوره را هم به نحوی منعکس می کند. اما قبل از آن به کلیات کارش نگاه می کنیم. با شکل و محتوای کارش آشنا می شویم:

۱- مذهب در اروپا - در این مقاله بازرگان در برابر حملات اندیشه گیتیان (غیر مذهبی) و تجددخواهان، از مذهب دفاع می کند. این بحث کلی را پیش می کشد که در جامعه متمدن اروپا مذهب همچنان مورد توجه است.

۲- فحش و تعارف در ایران - در ایران مقاله بازرگان خواستار توجه بیشتر به مسائل اخلاقی می شود. این بحث را عنوان می کند که فرمالیسم و توجه به تشریفات و ظواهر موجب کم توجهی به محتوا و حقیقت و صداقت شده است. می گوید «از بس بی حقیقتی و تصنع در روحیه و منطق ما وجود دارد... کلمات تحریف کلی یافته اند.»

۳- مطهرات در اسلام - بازرگان در پاسخ به این سوال که «موضوع [آب] کر چیست؟... کلیه احکام طهارت و نظافت اسلامی را از دریچه تصفیه بیوشیمی و با استعانت قوانین فیزیک و شیمی و فورمولهای ریاضی مطالعه» می کند.

۴- پراگماتیسم در اسلام - در این مقاله بازرگان به برخی جنبه های مکتب پراگماتیسم اشاره دارد. «تعلیمات حقیقی اسلام» را با اصول پراگماتیسم مقایسه می کند. نتیجه می گیرد «قرآن و اسلام کاملاً پراتیک بوده و از

۲- آل احمد، جلال، غربزدگی، چاپ دوم (رواق، تهران، ۱۳۵۶).

مسلمانان عمل می‌خواهند و بس. آنهم عملی که مفید فایده بوده، اثر و نتیجه مثبتی در زندگی داشته باشد.»

۵- ضریب تبادل میان مادیات و معنویات - در این مقاله بازرگان مدعی می‌شود که اخلاق مذهبی شخصی زیربنای مسایل اجتماعی است. حتی فقر در عدم رعایت اصول مذهبی و معنوی ریشه دارد. بر این اساس و برای حل مشکلات اجتماعی باید قبل از هر چیز مسایل اخلاق شخصی را مورد نظر قرار داد. به این ترتیب معنویات و مادیات غیرقابل تفکیکند.

۶- بی‌نهایت کوچکها - در این مقاله بازرگان به اخلاق اجتماعی، میانه‌روی در سیاست و اهمیت نقش فرد در امور اجتماعی اشاره دارد.

۷- کار در اسلام - این کتاب در دهه ۱۳۲۰ به رشته تحریر درآمد. در دهه بعد مورد تجدیدنظر قرار گرفت. اما به نظر ما، نمایانگر خوبی از شکل و محتوای فکری بازرگان در دهه ۱۳۲۰ است. در این کتاب بازرگان نظر خود را درباره جریان‌های فکری وقت عنوان می‌کند. جریان‌های فکری سنتی، متجدد، کمونیست و مذهبی متجدد را مورد خطاب قرار می‌دهد.

۸- راه طی شده - بازرگان نخست در سال ۱۳۲۵ در مورد «راه طی شده» در تاریخ بشر سخنرانی کرد. سپس این گفتار را به شکل مقاله درآورد. در دهه ۱۳۳۰ با توسعه و بسط بحث، آن را به شکل کتاب ارائه داد. ناشر در چاپ‌های مختلف کتاب از تاریخ ۱۳۲۵ استفاده کرده است. اما از نظر مطالب و مضامین، کتاب بیشتر به دوره ۱۳۳۰ مربوط می‌شود و باید آن را در چارچوب تحولات فکری ۱۳۳۰ مورد بررسی قرار داد. در فصل‌های آینده به مطالب آن اشاره خواهیم کرد. اینجا کافی است اشاره کنیم بازرگان در این کتاب می‌گوید تفاوتی میان مفاهیم وحی اسلامی و قوانین طبیعی فیزیکی وجود ندارد. هر دوی آنها جلوه‌های مشی الهی هستند.

۹- سرچشمه استقلال - در این مقاله بازرگان مسئله استعمار را مورد بررسی قرار می‌دهد. تجدیدنظر در اخلاق سنتی در مورد کار را به عنوان پیش‌درآمد ابتکار و خلاقیت و در نتیجه افزایش تولید و پس رقابت ملی در بازارهای بین‌المللی معرفی می‌کند.

۱۰- دل و دماغ - این مقاله تلاش دیگریست در تاکید بر آگاهی به اهمیت



اخلاق مذهبی. گفتار بازرگان در این مقاله پیرامون روش شناخت است. و این که روش شناخت عملی - عقلی با روش شناخت حضوری و تجربی همخوانی و هم‌آهنگی دارد.

۱۱- آثار عظیم اجتماع - بازرگان در این مقاله خواستار تشکیل انجمن‌های صنفی و فرهنگی در جهت پیشبرد منافع جامعه است.

۱۲- سر عقب‌افتادگی ملل مسلمان - در این مقاله گفته می‌شود که ملل مسلمان عقب مانده‌اند چرا که تفسیر آنها از مذهب غلط است. راه حل، یعنی پیشرفت ملل مسلمان، در تفسیر صحیح از مذهب نهفته است.

۱۳- بازی جوانان با سیاست - بازرگان در این جزوه نقش نسل جوان را در مسایل سیاسی مورد توجه قرار می‌دهد. تاکید می‌کند قبل از آن که وارد مسایل داغ سالهای دهه ۱۳۳۰ شوند بهتر است به درس و مشق برسند.

تحقیقات ما نشان می‌دهد که بازرگان در دوره ۳۲-۱۳۲۰ بیش از هر چیز به پنج مسئله توجه داشت: ۱- اخلاق اجتماعی، ۲- اندیشه کار، ۳-

میان‌روی سیاسی، ۴- وجدان حرفه‌ای و ۵- مسئله استعمار. اندیشه «اخلاق اجتماعی» در واکنش و در گفتگوی با اندیشه حاکم وقت یعنی

اندیشه غیرمذهبی تجدد عنوان می‌شود. بر ضرورت رعایت اخلاق و آرمان مذهبی - اجتماعی تاکید دارد. «اندیشه کار» به مشکل عقب‌ماندگی

جامعه نظر دارد. فرهنگ غیرتولیدی سنتی را شماتت می‌کند. اندیشه «میان‌روی» در برابر تندروی سیاسی حزب توده شکل می‌گیرد. اندیشه

«وجدان حرفه‌ای» در برابر موضع اقشار سنتی می‌آید، و در برابر افکار کمونیست متحول می‌شود. زیربنای این اندیشه بر این باور است که «کار»

اساس تحول و تکامل تمدن بشر است و پس علل عقب‌ماندگی ملل در نبود یا کمبود کار است. در بررسی «مسئله استعمار» عناصر فوق

جمع‌بندی می‌شوند. ناتوانی کشور در تولید و ناتوانی در رقابت بین‌المللی علت قدرت نفوذ استعمار معرفی می‌شود. این عناصر فکری چارچوب

کلی اندیشه اجتماعی و سیاسی بازرگان را تشکیل می‌دهند. بر اساس همین ساختار فکری است که بازرگان میان مسلمانان متجدد و

اصلاح طلب جای می‌گیرد. از نظر سیاسی، آنچه بیان می‌کند درست در

خدمت تحول فرهنگ عمومی برای پیشرفت متعادل اجتماعی است. در بخش‌های زیر به عناصر فوق اشاره می‌کنیم. هر یک را مورد تجزیه و تحلیل دقیق‌تر قرار می‌دهیم.

### اخلاق اجتماعی یا نقد اندیشه غیر مذهبی

ما قبلاً به قدرت گرفتن اندیشه‌های گیتیانه (غیر مذهبی) و ضد مذهبی اشاره داشتیم. گفتیم در دوره رضاشاه، دستگاه مذهبی و فرهنگ مذهبی تحت فشار دولتی و غیردولتی بودند. گفتیم با تبعید رضاشاه و تضعیف دستگاه دولت، اندیشه و رسوم مذهبی بار دیگر پا گرفتند. جنبشی برای دفاع از حریم مذهب آغاز شد. این جنبش در دو سطح اجتماعی قابل بررسی است: در سطح عوام، که رسوم و عادات مورد توجه قرار گرفت. و در سطح خواص، که احیاء سیاسی و نهادی مذهب مورد نظر بود. بازرگان در این جنبش عمومی شرکت داشت. بخش قابل توجهی از گفتارش در دوره ۳۲-۱۳۲۰ در راستای احیای اندیشه و رسوم مذهبی بود. مقاله‌ها و کتابهایش نوعی دفاع از حریم اندیشه مذهبی را می‌پروراندند. می‌خواست در برابر آنچه که بی‌مذهبی می‌پنداشت مقاومت کند. اولین واکنشش به جریان غیر مذهبی، نارضایتی از این مسئله بود که متجددین تمام امور مذهبی را منفور و آن را سمبل و علت عقب‌ماندگی و عقب‌افتادگی می‌دانستند. برای تقابل با این جنبه تجدداندیشی، چند گفتار مختلف ارائه کرد. از جمله: ضرورت وجود اخلاق دینی برای پیشرفت و ترقی جامعه (در مقاله‌های بینهایت کوچک‌ها، ضریب تبادل، و فحش و تعارف) موقعیت مذهب در تمدن معاصر اروپا (در مقاله مذهب در اروپا) و یک بحث شناختی درباره ابزار درک انسان (در مقاله دل و دماغ). بحث اولش (یعنی ضرورت وجود اخلاق دینی برای تضمین ترقی اجتماعی) بیش از بحث‌های دیگرش، در نوشته‌هایش تکرار می‌شود. در واقع زیربنای گفتارهای دیگرش است. به همین خاطر آن را مطالعه می‌کنیم. اما قبل از آن اشاره به مخاطبینش. مخاطبینش به روشنی محسوس‌اند. آن گروه اجتماعی را مورد خطاب قرار می‌دهد که از طبقات متوسطند،

تحصیل کرده‌اند، خود را از اندیشه سنتی جدا کرده‌اند و مذهب را به طور کلی بی‌مورد و بی‌فایده می‌شناسند. می‌خواهد این نکته را روشن کند که: برخلاف آنچه در سال‌های اخیر بعضی تجدیدطلبان بیخبر انتشار داده‌اند... قرن بیستم آن [دین] را بصورت رسوم پوسیده درنیاورده است. در دوره‌هایی که ایران می‌خواست تازه جامه تمدن اروپایی به تن کند اولین سفارش راهبران ما این بود که خداپرستی مانع ترقی است. یعنی آنجا که قضایای ریاضی و اکتشاف طبیعی پرتو افکند، خدا و آخوند چون شبح‌هایی که فقط در تاریکی تجسم می‌نمایند دیگر در اثر طلوع علم یکباره محو و نابود می‌شوند.<sup>۳</sup>

در جای دیگر می‌گوید روی سخنش با «جماعات زیاد و مسلک‌های مترقی و متجددی هست که اهمیت و ارزشی برای معنویات قائل نبوده و اصلاً منکر واقعیت و وجود معنویات می‌باشند، معنویات را ساخته و پرداخته اوهام و یا مبتنی بر معتقدات کهنه غلط می‌دانند.»<sup>۴</sup>

در مقاله بی‌نهایت کوچک‌ها این بحث را دنبال می‌کند: هر نظام اجتماعی بر پایه رفتار به ظاهر بی‌اهمیت روزمره فرد بنا شده و پیشرفت یا عقب‌ماندگی جامعه به محتوا و جهت این رفتار روزمره وابسته است. اهمیت و قدرت مذهب در اینجا است. مذهب رفتار روزمره و عادی فرد را تعیین می‌کند. با آن می‌شود شکل جامعه را تغییر داد. فرد، یعنی کوچک‌ترین واحد نظام اجتماعی به ظاهر ناتوان است. اما اثر قدرت و تاثیر یک فرد را به تعداد افراد جامعه ضرب کنیم به اهمیت هر واحد پی خواهیم برد. این اصل نه تنها در جامعه انسانی صادق است که در نظام‌های دیگر طبیعی دیده می‌شود. نقش اجسام بی‌نهایت کوچک در فیزیک، میکروب‌ها در بیولوژی و اتگرال‌ها در ریاضیات مانند نقش افراد در جامعه است. هر یک به تنهایی کوچک و بی‌اهمیتند ولی در ضریب تعدادشان، قدرتمند. تغییر در این واحد کوچک، یعنی در رفتار روزمره

۳- بازرگان، مذهب در اروپا، ص ۱۶.

۴- بازرگان، مقاله ضریب تبادل، در کتاب مذهب در اروپا، ص ۹۷.

که مردم ایران هدف و آمال معینی که ملی و واحد باشد ندارد. هر کس در صدف تنگ و تاریک منافع شخصی می‌لولد. از صبح تا غروب کارمان دوندگی و زد و خورد است... بدون آن که قدمی جلو برویم.<sup>۷</sup>

...

اما آنجا که آثار نبوغ و عظمت و قدرت و کمال انسان بهترین نمونه‌ها را ساخته است و عالیترین درجه آثار دست یا زبان و ذوق و زندگی را بیرون داده است واقعی بوده که پای پرستش خدا و ایمان به خالق در کار بوده است.<sup>۸</sup>

### اندیشه کار یا نقد اندیشه سنتی

گفتیم بازرگان تجدیدطلبان را مورد انتقاد قرار داد چرا که به نظرش به اهمیت نقش اجتماعی اخلاق مذهبی واقف نبودند. در عین حال از مذهب‌یون سنتی هم انتقاد کرد. آنها را به خاطر تفسیر سنتی از مذهب و انفعال سیاسی مورد سرزنش قرار داد. انتقادش از مذهب‌یون سنتی در کتاب «کار در اسلام» به روشنی مشهود است.<sup>۹</sup>

۷- بازرگان، دل و دماغ، ص ۱۶. ۸- بازرگان، دل و دماغ، ص ۱۹.

۹- این کتاب مانند بسیاری دیگر از آثار بازرگان نخست توسط شرکت سهامی انتشار به چاپ رسید. عزت‌الله سعابی، فرزند دکتر بدالله سعابی مدیر شرکت سهامی انتشار و هر دوی آنها از همکاران سیاسی بازرگان محسوب می‌شوند. این شرکت طی پنج دهه آثار متنوعی را در دفاع از اندیشه‌های روشنفکرانه و میانه‌رو اسلامی به چاپ رساند و از این لحاظ معروف و معتبر شد. در دهه ۱۳۵۰ سازمان نشر کتاب (هوستون، امریکا) که به انجمن‌های اسلامی امریکا و شمال امریکا وابسته بود و زیر نظر ابراهیم یزدی، یکی دیگر از مسلمانان سیاسی مسلک و از همکاران بازرگان اداره می‌شد انتشار آثار بازرگان را آغاز کرد. جا دارد بگوییم که صدها نفر از دانشجویان خارج از کشور در انجمن‌های اسلامی اروپا و شمال امریکا تربیت سیاسی دیدند و بسیاری از آنها بعد از انقلاب ۱۳۵۷ جز کادرهای عالی‌رتبه حکومت شدند.

ناشر دوم در تجدید چاپ کتاب یک عنوان انگلیسی بر آن افزود: اخلاق اسلامی کار

برای آن که موقعیت بحثش را بشناسیم باید هدف، قصد و انگیزه گفتارش را بررسی کنیم. آنها را در چارچوب شرایط وقت قرار دهیم و معنای دقیقشان را در محیطشان دریابیم. بررسی آثار بازرگان نشان می‌دهد که وی در این دوره متوجه و نگران عقب‌افتادگی کشور بود. تحصیل‌کردگان، عموماً، این مشکل را به اندیشه سنتی نسبت می‌دادند و اندیشه سنتی را همسنگ و همبسته با اندیشه مذهبی می‌دانستند. پس مذهب را عین عقب‌ماندگی می‌شمردند. این نظر بر افکار عمومی تحصیل‌کردگان حاکم بود. بررسی ادبیات سیاسی وقت شاهد بر این مدعاست. نویسندگان برجسته دهه ۳۲-۱۳۲۰، عموماً، تزدگیری میان «کهنه و نو» و «سنتی و مترقی» را تبلیغ می‌کردند. آن را مسئله اساسی جامعه می‌دانستند. مشکل عقب‌ماندگی را در اندیشه سنتی جامعه می‌جستند. عقب‌ماندگی را در مذهب عوام می‌یافتند. نسبت به آن، به درجات مختلف، ابراز بیزاری و تنفر می‌کردند.<sup>۱۰</sup>

به راستی هم که ایران از عقب‌ماندگی مزمن رنج می‌برد. نسبت به کشورهای اروپایی عقب‌مانده بود. موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از کشورهای هم‌تراز، چون ترکیه، مصر و حتی هند در

---

→ Islamic Work Ethics. توجه به این اسم آموزنده است چرا که ظاهراً قصد ناشر اشاره به اخلاق حرفه‌ای کار پروتستانیسم است. این فرض را می‌کند که اثر بازرگان حامل روح پروتستانیسم علیه دستگاه حاکم مذهبی و خواستار برقراری نظام جدید اجتماعی بر پایه اخلاقیات جدید است.

متأسفانه نمی‌دانیم که تفاوت میان سخنرانی بازرگان در انجمن اسلامی و چاپ نخست چیست؟ البته در مقدمه کتاب به برخی تغییرات متن اشاره می‌شود اما جزئیات مشخص نیست. روشن‌ترین اشاره به این نکته در زیرنویس‌ها است که در آن‌ها به آثار زیر اشاره شده است: کتاب‌های راه طی شده (که بعداً در دهه ۱۳۳۰ مورد تجدید نظر قرار گرفت)، کتاب عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان (۱۳۳۶)، مقاله «احتیاج روز» (۱۳۳۶)، و مقاله «خود جوشی» (۱۳۴۰). ما بر پایه تحقیقات خود حدس می‌زنیم تغییرات متن در اوایل دهه ۱۳۴۰ صورت گرفته است.

10- Ramazani, R. K. Intellectual Trends in the Politics and History of Musaddiq Era, in Bill Musaddiq, *Iranian Nationalism and Oil*, pp. 307-329.

مواردی فلاکت‌بارتر بود. تلاش بزرگی در طول حکومت رضاشاه - در زمینه‌های مختلف - انجام گرفت. علی‌رغم مشکلات عدیده و ناکامی‌های بسیار، پیشرفت‌هایی بزرگ حاصل شد. اما به طور کلی ایران عقب بود. این مشکلات در دهه ۱۳۲۰ ادامه یافت. بروز جنگ بین‌الملل، اشغال ایران و مشکلات ناشی از آن در حوزه تجارت و تولید راه ترقی را سخت کرد. در دهه ۱۳۲۰ فعالیت سیاسی رونق گرفت و حتی تب عمومی شد. این خود، واکنش فوق‌عادی به سالها سکوت مطلق سیاسی دوره رضاشاه بود. در بسیاری از موارد مشکلات اجتماعی و اقتصادی تحت‌الشعاع مسائل سیاسی قرار گرفتند و برجا ماندند.

بازرگان مشکل عقب‌ماندگی اجتماعی را از زاویه فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این نظر را مطرح کرد که مشکل اساسی مملکت در عدم وجود وجدان حرفه‌ای است. برای حل این مشکل، پیشنهاد کرد وجدان حرفه‌ای در مردم بیدار شود و پیش درآمد ترقی اجتماعی شود. موضوع وجدان حرفه‌ای را با اعتقادات مذهبی درهم آمیخت. وجدان حرفه‌ای را که اصولاً اندیشه‌ای مربوط به تمدن جدید است به عنوان یکی از ارکان مذهب معرفی کرد. ما اینجا، مسئله فوق (یعنی توجه به ضرورت بسیج نیروهای مولد و نیاز به وجدان حرفه‌ای برای رفع عقب‌ماندگی) را (که در کتاب کار در اسلام آمده) می‌شکافیم:

بازرگان مسئله کار را از چهار جنبه بررسی می‌کند. این جنبه‌ها به ترتیب در کتاب کار در اسلام آمده است. نخست خلاصه‌ای از «سیر تکاملی کار در طول تاریخ بشریت» ارائه می‌دهد. می‌گوید کار زیربنا، محتوا و جهت حرکت تکامل بشر بوده است. ثانیاً کار را عامل تعیین‌کننده فیزیولوژی بدن انسان معرفی می‌کند. ثالثاً می‌گوید اسلام برای کار ارزش اساسی قائل است. کار را عامل تعیین‌کننده رستگاری در عوالم مادی و معنوی می‌داند. رابعاً به فرهنگ عامیانه مردم ایران نظر می‌کند. از بی‌توجهی عوام و خواص به وجدان حرفه‌ای و وجدان کاری نگران و متأسف است. تلاشش جلب توجه افکار عمومی به اهمیت مسئله کار و اخلاق حرفه‌ای است.

در فصل اول کتاب کار در اسلام و تحت عنوان «سیر تکاملی کار در طول تاریخ بشریت»، بازرگان خلاصه‌ای از تاریخ تحول تمدن را بررسی می‌کند. تاریخ تمدن را، طبق نظم حاکم اجتماعی و طبقه رو به رشد، به ۱۳ مرحله تقسیم می‌کند: دوران توحش، گله‌داری، خانواده، قبیله، خدمتکاران، کشاورزان، ده، اشراف، حرفه‌دانان، لشکریان، کارگران، سرمایه‌داران و شهروندان (دمکراسی). بازرگان می‌گوید تحول از یک مرحله به مرحله بعد و تحول از مرحله ساده به مرحله پیچیده، تماماً توسط کار بوده است. موقعیت اجتماعی طبقات هم از تقسیم کار و تخصص ناشی می‌شود. نحوه کار تعیین‌کننده نحوه استثمار است. رابطه پیچیده میان تولیدکنندگان، به تدریج جامعه پیچیده‌تری به وجود می‌آورد، واحد خانواده را ضعیف می‌کند و به استثمار می‌افزاید. پیشرفت اجتماعی طبقه اریستوکراسی را شکل می‌دهد. آنها طبقه جنگجویان (نظامی) را برای حفظ موقعیت خود می‌سازند. با افزایش تجارت، روستاها به شهر تبدیل می‌شوند. صنعت و دولت متمرکز به وجود می‌آید. در جریان این تحولات، اختلاف میان تولیدکنندگان و استثمارگران ادامه دارد. با این که در عصر صنعتی، حقوق کارگران تا حدودی رعایت می‌شود اما صاحبان سرمایه با نیروهای سازمان یافته کارگری رودررو هستند. از میان درگیریشان، رژیم‌های سوسیالیست به وجود می‌آیند که برای طبقه کارگر تسهیلاتی را فراهم می‌آورند.

سلطان کار، تخت و تاج را از مدعیان قدیم و جدید یعنی از حسب و نسب، نجابت و اشرافیت، زور و بالاخره از مال (سرمایه) گرفته، بر اقلیم بشریت حکومت می‌نماید.<sup>۱۱</sup>

بازرگان در اشاره به بحث «سیر تکاملی کار در طول تاریخ بشریت» می‌گوید جامعه ایران در دوره برده‌داری و کشاورزی است. بر همین اساس از راه و رسم سنتی در فرهنگ این جامعه عقب‌مانده انتقاد می‌کند: اصولاً در ایران مقام کار از... سرحد خدمتکاری و دوران

کشاورزی... تجاوز نکرده... هر نوع کار کردن و حرکت دون شان اشخاص محترم یا متمکن حساب می شده است و می شود. موجهین مردم، خواه روحانی، خواه اعیان و اشراف، خواه مالک و تاجر، خواه دانشمندان و افاضل به هیچوجه نمی بایستی دست به کاری بزنند و خود کفیل اموری بشوند. کار و زحمت را باید کلاهی ها، مباشرها، پیشکارها، و فراشها، نوکرها یا شاگردها... انجام دهند.<sup>۱۲</sup>

بازرگان می گوید در فرهنگ این جامعه عقب مانده، کار و وجدان حرفه ای مورد توجه نیست. کار را فقط برای طبقات پست مناسب می شناسند. به توانایی افراد در تولید توجه نمی کنند اما طبقه اجتماعی آنان را مورد توجه قرار می دهند. اقشار ممتاز سنتی (یعنی ملاکین، روحانیون و تجار) نه تنها غیر مولدند که با فرهنگ کار و رفتار اجتماعی ناشی از آن مخالف. امور اجتماعی را راکد نگه می دارند. با تغییر و تحول مخالفند. اندیشه قضا و قدری را که در گذشته به خدا نسبت می دادند، اکنون به اراده خارجی نسبت می دهند. اراده مردم را ناچیز می شمارند.<sup>۱۳</sup>

بازرگان می گوید مردم وجدان حرفه ای نداشته اند و هنوز هم ندارند. آنچه که از اروپاییان اخذ شده ربطی به ضرورت های سازماندهی جدید اجتماعی ایران ندارد. تقلید ناشیانه از خارجیست. یک سوی سکه بی وجدانی حرفه ای اقشار سنتی است. روی دیگر سکه بی وجدانی طبقات به ظاهر متجدد است. نسل جوان، از جمله زنان وقت خود را به هدر می دهند. مشغولند به «رمان و سینما و خیابان گردی و نمودن بالله عاشوگیری و خیانتکاری». عنصر سیاسی در جلسه گرم بحث آتشین می شود اما هنگام انجام وظیفه ناپیدا است. در نظر مومنین، امور مذهبی تفریحی و سرگرمی است.

برای حل مشکل پیشنهاد دارد و راه حل ارائه می دهد. می گوید جواب مسئله فقط در «حرف کمتر و کار بیشتر» است. می گوید باید برای

۱۲- بازرگان، کار در اسلام، ص ۸۹.

۱۳- بازرگان، کار در اسلام، ص ۸۲-۸۰.



دستیابی به پیشرفت و ترقی باید اقدام به تشکیل انجمن‌های مختلف اجتماعی کرد. می‌خواهد از طریق انجمن‌ها روحیه جدید و وجدان حرفه‌ای را آموزش دهد و عمومی کند.

از نظر فردی هر مسلمانی خود را موظف (و ماجور) بداند که از پرحرفی و بیکارگی و بی‌خاصیتی شدیداً احتراز کرده و کار را افتخار و کلید نجات بداند. چند هزار سال شعر گفتیم و سخن سنجیدیم حالا قدری هم بکار و زحمت پردازیم. برای کار و شغل ارزش و احترام قایل شویم. از کوچک و بزرگ، فقیر و غنی، بیسواد و باسواد، کارگر و کاسب، وزیر و وکیل باید کار کنند.<sup>۱۴</sup>

پیشنهاد بازرگان برای تشکیل انجمن‌های اجتماعی و تشویق رفتار جدید، ظاهراً سابقه در تجربه شخصی‌اش در فرانسه دارد. همان جا که در انجمن‌های دانشجویی کاتولیک و جمهوریخواه شرکت داشت. به خاطر داریم کاتولیک‌ها در آن دوره به خصوص معتقد بودند که فعالیت اجتماعی، و مشخصاً خیریه، بیش از فعالیت سیاسی موثر است. این استراتژی را بر این باور گذاشتند که بسیاری از مردم فرانسه بی‌دین شده و مذهب را صرفاً نوعی فرمالیسم می‌دانستند. انجمن‌ها در واقع می‌خواستند بدون استفاده از روش سیاسی در تاروپود اجتماع نفوذ کنند. علت توجه بازرگان به تشکیل انجمن‌های اجتماعی، با علت تشکیل انجمن‌های کاتولیک و جمهوریخواه در فرانسه طبیعتاً متفاوت بود. اما الگوبرداری می‌کند. این را نمی‌توان نادیده گرفت. جو باز سیاسی دوره ۳۲-۱۳۳۰ فرصتی طلایی برای تجربه در فعالیت اجتماعی بود. پیشنهاد بازرگان به شرایط آن روز و امکان تجمع آزاد اشاره دارد.

### میانه‌روی یا نقد مارکسیسم

یکی از اشتغالات فکری و نگرانی‌های بازرگان در دوره ۳۲-۱۳۲۰ نفوذ اندیشه کمونیستی و رشد حزب توده ایران بود. با تبلیغات کمونیستی از

دوران تحصیل در فرانسه آشنا بود. جنبه ضد مذهبیشان را می شناخت.<sup>۱۵</sup> با این پیش درآمد، شاهد شکل گیری و رشد سریع حزب توده بود. رشدی که در حوزه سیاسی ایران سابقه نداشت. بازرگان در آن هنگام استاد دانشگاه بود. بعد ریاست دانشکده‌ای را به عهده گرفت. نشر و توسعه سریع افکار کمونیستی، با آن جنبه ضد مذهبی و تندرو، آزارش می داد. در آن روزگار اداره یک دانشکده کار آسانی نبود. مشکل تر از مسایل تعلیماتی و فنی و اداری و مالی و انسانی نبود. با توده‌ای‌ها بود. یقیناً می دانید که حزب توده سنگر اصلی خود را دانشگاه قرار داده بود و حداکثر قدرت و فشار توده‌ایها در همان سنوات ۳۰-۱۳۲۴، از حکومت قوام السلطنه تا دولت ملی جناب آقای دکتر مصدق، بود. ما از همه طرف، از ناحیه دانشجویان - استادان - کارمندان - پیشخدمت‌ها در محاصره بودیم. شاگردهای توده‌ای باشگاه دانشگاه را تصرف کرده بودند، در کارگاه‌ها میتینگ می دادند، به کارگران و کارکنان دستور تعطیل صادر می کردند، ادها داشتند که باید در برنامه‌ها و تصمیم‌ها در شورای دانشگاه دخالت نمایند، اطاعت و انضباط از مدرسه نداشتند، با انواع اهانت‌ها و جسارت‌ها متشبت می شدند. به کلی شیرازه آموزش و پرورش و اداره کار را گسیخته بودند. حقیقتاً روزگار سیاهی داشتیم.<sup>۱۶</sup>

بازرگان برای مبارزه با نفوذ کمونیست‌ها روش خاصی اتخاذ کرد. نه وارد مجادله رودررو با توده‌ای‌ها شد و نه خود را درگیر مسایل سیاسی روز کرد. بلکه به شکل دادن یک مبحث، گفتار و چارچوب فکری مشغول شد که بتواند توسط آن با اندیشه کمونیستی رقابت کند. می خواست با طرح مسائل اجتماعی، از یک نظر غیر مذهبی، جذبه اندیشه مارکسیستی را خصوصاً برای جوانان کاهش دهد. این روش را پس از تجزیه و تحلیل موقعیت حزب توده برگزید.

۱۶- بازرگان، مدافعات، ص ۱۱۶.

۱۵- بازرگان، مصاحبه، ۱۳۶۸.

از جنبه فکری و نظری نیز دو عامل بسود آنها [توده‌های] کار می‌کرد: ۱- نیروی ایدئولوژیک و جاذبیتی که به لحاظ متریقی بودن و مخصوصاً تحریک (دینامیسم) روی افکار داشت و شالوده فلسفی و علمی که به آن داده بودند. ۲- خالی بودن زمینه و این که در برابر موج و فشار کمونیسم، تقریباً هیچ مکتب سیاسی و امید نجاتی به جوانان عرضه نمی‌شد.<sup>۱۷</sup>

بر اساس این تحلیل، افکار مذهبیش را در موازات و در رقابت با افکار کمونیستی بیان کرد.

جوان خوراک می‌خواهد. بقول یکی از دوستان مغز و احساسات جوان‌ها مثل سنگ‌های آسیا است که دائماً می‌چرخد. اگر گندم به آن رساندید یک عمل مفید انجام می‌دهند. اگر خورده آهن ریختید با آنها هم درمی‌افتد و اگر هیچ خوراکی به آن ندادید خود را می‌ساید و از بین می‌برد. در آن زمان غیر از افکار ماتریالیسم و فعالیت و برنامه‌های توده‌ای خوراک دیگری به جوانان درس خوان مملکت عرضه نمی‌شد. بنابراین مانند یک قشون مهاجم بدون مانع و مخالف پیش می‌رفت.<sup>۱۸</sup>

نظر بازرگان در مورد مسایل کمونیستی دوره ۳۲-۱۳۲۰ در کتاب کار در اسلام مشهود است. در فصل اول کتاب (با عنوان «سیر تکاملی کار در طول تاریخ بشریت») تلاش دارد نفوذ افکار کمونیستی را به نحوی مورد سوال قرار دهد. قبلاً بازرگان مسئله کار و وجدان حرفه‌ای را در انتقاد از افکار سنتی آورد. اکنون - در تقابل با اندیشه کمونیستی - مسئله کار را به کار می‌گیرد.

بحثش به این شکل است: کار تعیین‌کننده شکل و عملکرد ساختار اجتماع است و کارگر در تضاد با صاحب سرمایه است. اما روند تاریخ - برخلاف نظر کمونیست‌ها - مشمول جهش تاریخی نیست. در سرانجام تکامل اجتماعی هم ابزار تولید به مالکیت مطلقه طبقه کارگر در نمی‌آید.

بلکه نوعی تعادل در حدود مالکیت ابزار تولید حاصل می‌شود. هدف بازرگان از این بحث دوگانه است. برخی عناصر فکری کمونیستی را حفظ می‌کند (از جمله تاریخ‌گرایی، که برای مخاطبینش مفید می‌داند). اما آن عناصر فکری کمونیسم را (که در نظرش مارکسیسم را از مکاتب دیگر متمایز میکند) نفی میکند.

هدف فصل «سیر تکاملی کار در طول تاریخ بشریت» حمله به مباحث کمونیستی و متزلزل کردن مبادی فکری آنها است. اما جالب این که علی‌رغم این هدف می‌توان شاهد نوعی تاثیر فکری مارکسیستی بر بحث بازرگان بود. یعنی این که به کارگیری مفاهیمی چون کار، تاریخ‌گرایی و مبارزه طبقاتی در بحث بازرگان دیده می‌شود. این تاثیر در به کارگیری اصطلاحات واضح است. با کمی تغییر در اصطلاحاتی که بازرگان به کار می‌برد می‌توان عین اصطلاحات و مفاهیم مارکسیستی را به دست آورد. این که بازرگان در جریان نگارش مطلب، و احتمالاً در جریان ترجمه برخی متون از فرانسه به فارسی، اصطلاحات رایج مارکسیستی را تغییر داده نمی‌تواند موقعیت وی را استتار کند. برای نمونه بازرگان به جای کلمه استثمار که معمولاً بوسیله چپی‌ها و کمونیست‌های ایرانی به کار گرفته می‌شد از کلمه بهره‌برداری استفاده می‌کند. و یا در برابر کلمه بورژوازی - که مورد استفاده وسیع فارسی‌زبانان است - از کلمه اشتغال بهره می‌جوید. این تغییرات، چه سهواً و چه عمداً، تغییری در محتوای گفتار و این واقعیت نمی‌دهد. مارکسیسم تا حدودی بر مباحث او تاثیر گذاشته است.<sup>۱۹</sup> به عبارت دیگر بازرگان از اصطلاحات و چارچوب‌های

۱۹- اشاره ما به این نکته که برخی تاثیرات مارکسیسم بر مباحث این دوره بازرگان دیده می‌شود تلویحاً بوسیله بازرگان در مصاحبه سال ۱۳۶۹ مورد تایید قرار گرفت. البته در بیان این نکته پیشقدم نبود و علاقه به تصریح آن نداشت. این کاملاً قابل فهم است. در دهه ۱۳۶۰ بحث «التقاط» فکری، ابعاد سیاسی به خود گرفته بود. «اتهام التقاط» به حدی جدی بود که می‌توانست تعیین کننده زندگی و مرگ سیاسی باشد. اما ضروری است اشاره کنیم مسئله التقاط همه گیر و فراگیر است ادعای برخی اندیشمندان و متفکرین که

کمونیستی استفاده کرد تا به وسیله آنها به مبانی فکری کمونیسم حمله کند. اما خود - تا حد مشخصی - تحت تاثیر برخی از این مفاهیم قرار گرفت. برخوردش نشان میدهد که در استفاده از آن مفاهیم و اصطلاحات، مصلحت‌اندیش بود.

در این برهه آگاهی بازرگان از مباحث کمونیستی اندک و چه بسا عامیانه بود. منابعش به آثار دست دوم محدود می‌شد از جمله چند کتاب تقی ارانی،<sup>۲۰</sup> چند مقاله فرانسوی و چند کتاب دانشگاهی.<sup>۲۱</sup> متأسفانه آنجا که به آثار دیگران استناد کرده (حتی بخش مشخصی از اثر را یک جا آورده) منبع مورد استفاده را ذکر نمی‌کند. اگر این کار را می‌کرد راحتتر می‌توانستیم منابع الهامش را پیدا کنیم. روش بازرگان نه به خاطر بی‌صداقتی است و نه ربطی به سرقت علمی دارد. به این خاطر است که اصولاً با انضباط جدید علوم انسانی آشنایی نداشته، اهمیت و ضرورت ذکر منابع مورد استفاده را نمی‌دانسته است. این مشکل فراگیر است. سنت تحقیق علمی در ایران دقیق نیست. بسیاری از محققین و نویسندگان منبع مورد استفاده را عنوان نمی‌کنند. این مشکل در مورد بازرگان هم صحت دارد.

بازرگان مشخصاً به سه عنصر کمونیسم معترض بود. در قبال آنها نظرات خود را بیان کرد. این سه مورد اختلاف‌نظر با اندیشه کمونیسم، (علی‌رغم تاثیر ناخودآگاه و محدودی که این اندیشه بر او گذاشت)، مبین این نکته است که بازرگان را می‌توان در چارچوب سنت سوسیال

---

→ مکتبشان «غیرالتقاطی» است به اعتقاد ما سطحی است. تمامی مکاتب سیاسی امروز به نحوی تحت تاثیر جریانات کلی فکری جهان معاصرند. نمونه این که برخی افکار چون «تکامل تاریخی» و «وجدان حرفه‌ای» و «پیشرفت اجتماعی» که در تفکر جاری اسلامی ایرانی جا دارند ریشه در غرب مابعد رنسانس دارند.

۲۰- دکتر تقی ارانی تنوریسین کمونیست و بنیانگذار گروه ۵۳ تن بود. بسیاری از افراد این گروه بعدها بنیانگذار حزب توده ایران شدند. ارانی به اتهام داشتن افکار اشتراکی و فعالیت غیرقانونی دستگیر و در سال ۱۳۱۸ در زندان به قتل رسید.

۲۱- بازرگان، مصاحبه، ۱۳۶۸.

دمکرات اروپایی آورد. سنتی که بر تحول آرام و دمکراتیک اجتماعی تاکید داشت. در عین حال خواستار نوعی عدالت اجتماعی در نظام سرمایه‌داری بود. به اختلاف‌های عمده بازرگان با کمونیست‌ها، که در کتابش آورده است، اشاره می‌کنیم.

اختلاف نظر اصلی بازرگان با کمونیست‌ها در مورد مالکیت بر ابزار تولید بود. می‌گفت برخلاف نظر کمونیست‌ها که طبقه کارگر مولد در سرانجام تاریخ مالک ابزار تولید خواهد شد، نوعی «تصحیح» در شکل و حدود مالکیت می‌شود و جنگ میان سرمایه و کار را حل می‌کند.

در وضع حاضر می‌توان گفت حکومت کار هنوز نفوذ و استقرار نیافته فقط در نتیجه جنگ طبقات از مرحله دفاع پا به مرحله حمله گذارده است. چیرگی کار روزی است که حاکمیت کلی را از چنگال سرمایه‌داری و مالکیت بیرون آورد و این حکومت وقتی کامل خواهد شد که به مصداق آیه شریفه و لکل درجات مما علوا... درجه تمتع هر فرد و هر کشور بسته به کار او باشد و جز کار عامل دیگری در درجه‌بندی اشخاص و در تقسیم مراتب موثر نباشد. در آن روز موازین دیروزی از قبیل مال و قدرت و مالکیت مراتبی از کار شده مقام طبیعی خود را احراز خواهند کرد و هر کسی مالک آن چیزی می‌شود که حقاً باید مالک باشد.<sup>۲۲</sup>

دومین نکته مورد اعتراض، فکر تحول سریع اجتماعی یا انقلاب بود. گفت، برخلاف نظر کمونیست‌ها، تحول تاریخی با جهش و انقلاب صورت نخواهد گرفت. بلکه تحول از یک مرحله تاریخی به مرحله دیگر تدریجی خواهد بود.

کار بدون آن که حریفان خود را به وجهی که افراطیون امروزی ادعا می‌نمایند، از بین ببرد حکومت را از دست آن‌ها خواهد گرفت. همان طور که روزگاری شیخوخیت و خانواده بر قبایل و افراد ریاست می‌کرد ولی پس از تشکیل شهرها و حلول دوران تمدن،